

نویسنده: نورم دیکسن

آمریکا چگونه صدام حسین
را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟

بسم الله الرحمن الرحیم

آمریکا چگونه صدام حسین را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟

نویسنده:

نورم دیکسن

ناشر چاپی:

پایگاه تخصصی دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آمریکا چگونه صدام حسین را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟

مشخصات کتاب

عنوان:آمریکا چگونه صدام حسین را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟

نوع مقاله:عمومی

نویسنده:نورم دیکسن

مترجم:پریسا کریمی‌نیا

ناشر:پایگاه تخصصی دفاع مقدس

موضوع:سلاح شیمیایی

مقدمه

در طول جنگ ایران و عراق همه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، جدا از نظام سیاسی حاکم بر آن‌ها، در جنگ تحمیلی از رژیم صدام حسین حمایت می‌کردند. مخالفت با انقلاب اسلامی و نظام فکری حاکم بر آن، نکته اشتراک همه نظام‌های حاکم بر شرق و غرب بود. آن‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نفی نظام مادی غرب و نظام کمونیستی شرق از سوی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسیدند که به هر نحو ممکن باید مانع تحقق پیروزی کامل انقلاب اسلامی شوند که برای هر دوی آن‌ها خطرناک ارزیابی می‌شد. شروع جنگ یکی از راه‌کارهای مقابله با انقلاب اسلامی ایران بود. آن‌ها به صورت آشکار و پنهان به تجهیز رژیم صدام دست زدند و با حمایت‌های مادی و معنوی خود تلاش کردند که بر انقلاب اسلامی ایران غلبه کنند. مسلح کردن عراق به سلاح‌های پیشرفته، بدون توجه به مرزها و اختلافات شرق و غرب در عصر جنگ سرد، با تمام توان ادامه داشت و آن با ضرورت مقابله با موج انقلاب اسلامی توجیه می‌شد. پس از پایان جنگ ایران و عراق و آشکار شدن حقیقت انقلاب اسلامی و نادرستی چهره تهدیدآمیزی که این انقلاب در جهان ترسیم شده بود و به ویژه پس از حمله صدام حسین به کویت و بحرانی که در پی آن بروز کرد، مراکز تحقیقاتی و صاحب نظران به بازنگری و مرور دوباره سیاست‌ها و مواضع کشورهای غربی در مورد دو طرف جنگ ایران و عراق پرداخته و از منظری متفاوت به آن نگریستند. در این بازنگری‌ها بسیاری از حقایق سیاست‌های دهه ۱۹۸۰ کشورهای غربی در برابر ایران آشکار شد و از سوی صاحب نظران مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت؛ اسناد متعددی منتشر شد، و کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمد. مقاله حاضر بر اساس اسناد منتشر شده از سوی رسانه‌ها و دولت امریکا درباره کمک این کشور به تسلیح عراق به سلاح‌های شیمیایی به نگارش در آمده است. فصلنامه نگین ایران در این بخش با توجه به مقالات و اسناد خود کشورهای غربی، نمایی از عملکرد دولت‌های این کشورها را در جنگ ایران و عراق به خوانندگان خود ارائه خواهد داد. مقاله نورم دیکسن مقاله نخست این مجموعه است که با تمام مسایلی که یک ایرانی باید در مطالعه آن در نظر بگیرد، می‌تواند گویای بخشی از واقعیت عملکرد دولت‌های غربی به ویژه امریکا در جنگ تحمیلی باشد. مرور آن می‌تواند در شناخت دقیق‌تر سیاست‌ها و عملکرد دولت‌های غربی، به ویژه امریکا، در مسایل و موارد بعدی مؤثر باشد.

[صفحه ۶۰]

آمریکا چگونه صدام حسین را به سلاح‌های شیمیایی مسلح کرد؟

در ۱۸ ماه اوت ۲۰۰۲ روزنامه نیویورک تایمز داستانی را با نام «دولت امریکا به رغم استفاده عراق از گازهای شیمیایی، کمک‌های خود را به این کشور ادامه داد»، منتشر کرد. نشریه نیویورک تایمز به نقل از مقامات عالی رتبه و برجسته آمریکا فاش کرد: «در دهه ۱۹۸۰، کابینه ریگان در حالی که می‌دانست فرماندهان عراق از سلاح‌های شیمیایی برای دست یافتن به برتری در جنگ با ایران استفاده خواهند کرد، به طور پنهانی، آن‌ها را از نظر طراحی صحنه نبرد یاری کرد.» این داستان در رسانه‌های بین‌المللی جنجال مختصری ایجاد کرد و سپس، سر و صدای آن خوابید.

هر چند مقاله نیویورک تایمز در ۱۸ ماه اوت ۲۰۰۲، جزئیات جدیدی را از میزان همکاری ارتش امریکا با صدام حسین، دیکتاتور عراق، طی جنگ ایران و عراق از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ فاش کرد، اما برخی از جوانب این رسوایی فاش نشد. در واقع، واشنگتن، نه تنها استفاده مکرر صدام از سلاح‌های شیمیایی علیه سربازان ایران و اقلیت کرد عراق را نادیده گرفت، بلکه این کشور را در راه توسعه برنامه‌های تولید سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای‌اش یاری کرد.

نشریه نیویورک تایمز بدبینی و تملق دولت امریکا در پرداختن به این موضوع و نیز اقدامات وحشیانه عراق را به طور مفصل منعکس نکرد. در حالی که واشنگتن پیش از این از برنامه‌های تسلیحاتی عراق چشم پوشی کرده بود. در دهه پس از جنگ، در زمانی که برنامه‌های تسلیحاتی بغداد دیگر وجود نداشتند و در سال ۱۹۹۱ منهدم شده بودند، دولت امریکا از طرح گسترده برنامه‌های تسلیحاتی عراق برای توجیه لزوم آغاز جنگ گسترده‌ای علیه مردم عراق استفاده کرد.

خوانندگان مقاله نیویورک تایمز (یا دهها هزار مقاله دیگر که پس از ۱۱ سپتامبر علیه عراق نوشته شده است) این واقعیت را می‌دانند که بسیاری از سیاستمداران امریکا و نخبگان حاکم، که جنگ علیه صدام حسین را خواستار بودند، خود، در پیشبرد و اجرای برنامه‌های تسلیحاتی عراق نقش فعالی داشتند. از جمله این افراد، می‌توان به دونالد رامسفلد، آتشی‌ترین باز [۱] دولت بوش، اشاره کرد.

واشنگتن قبلا، در دهه ۸۰ نسبت به دیکتاتور عراق به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی هیچ مخالفت و انزجاری را اعلام نکرده بود. این برای نخستین بار نبود که چنین رسوایی‌هایی در رسانه‌ها مطرح می‌شد. برای نمونه، پیش از آن، رسوایی عراق گیت [۲]، بارها، مطرح و فراموش شده بود. این موضوع رسوایی حمایت نظامی و سیاسی امریکا از صدام حسین در دهه ۸۰ است. داگلاس فرانتز [۳] و موری واس [۴] در یکی از مقالات جامع و شدید الحنی که به رسوایی عراق گیت مربوط بود و در ۲۳ فوریه سال ۱۹۹۲ در لس آنجلس تایمز چاپ شد با عنوان: «کمک‌های پنهانی بوش عراق را در ساختن ماشین جنگی‌اش یاری کرد نوشتند: «طبق اسناد طبقه‌بندی شده، جورج بوش پدر، تلاش‌های بلند مدتی را برای حمایت و پشتیبانی از دیکتاتور عراق به عمل آورده است. وی این اقدامات را هم در مقام معاونت ریاست جمهوری و هم در مقام ریاست جمهوری انجام داده است.»

حتی ویلیام سفیر [۵] نویسنده راست‌گرا و جنگ طلب نشریه نیویورک تایمز در ۷ دسامبر ۱۹۹۲ احساس کرد که پرداختن به موضوع مزبور ضروری است. وی نوشت: «رسوایی عراق گیت بسیار وحشتناک است؛ رسوایی بزرگی درباره سوء استفاده نظام‌مند رهبران سه ملت دموکراتیک امریکا، انگلستان و ایتالیا، از قدرت و اعطای کمک‌های محرمانه مالی به دیکتاتور عراق برای بهبود ساختار تسلیحاتی وی.»

پیش زمینه عراق گیت، قیام مردمی سال ۱۹۷۹ در ایران برای سرنگونی شاه طرفدار امریکا بود. انقلاب ایران تسلط امپریالیستی امریکا بر منطقه نفت خیز استراتژیک خلیج فارس را تهدید کرد. پیش از آن، به غیر از اسرائیل،

[صفحه ۶۱]

ایران متحد دیرینه و واشنگتن در خاورمیانه بود.

پس از وقوع انقلاب اسلامی، واشنگتن بلافاصله، به چهار روش برای نابودی و سرنگونی این نظام انقلابی و جبران فقدان شاه اندیشید. در این راستا، رژیم صدام حسین دست یاری به سوی امریکا دراز کرد و بدین ترتیب، در ۲۲ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰، عراق تهاجم خود را به ایران آغاز کرد و طی این جنگ خونین هشت ساله، که دست کم، یک میلیون قربانی داشت، از حمایت واشنگتن برخوردار شد.

در دهه ۹۰، مؤسسه مطالعات راهبردی دانشگاه جنگ امریکا در گزارش خود برای پنتاگون اعلام کرد: «طی جنگ ایران و عراق، امریکا سیاستی متمایل به عراق داشت.... واشنگتن و بغداد می‌خواستند وضع موجود پیش از انقلاب ۱۹۷۹ ایران را مجددا احیا کنند. در واقع، انقلاب ایران موازنه قدرت منطقه را تهدید می‌کرد. درخواست [امام] خمینی از مردم کشورهای دیگر برای انجام انقلاب، برای بغداد و واشنگتن تهدیدی جدی محسوب می‌شد و هر دوی آن‌ها می‌خواستند این تهدید را از بین ببرند. از آنجا که امریکا و عراق هدف و منافع مشترکی داشتند...، امریکا فعالانه، به کمک عراق آمد.»

در آغاز، آمریکا با مشاهده موفقیت‌های عراق در برابر ایران، به عراق تمایل داشت و بدین ترتیب، سیاست یک جانبه‌ای را در پیش گرفت؛ چرا که صدام حسین می‌توانست واشنگتن را به اهداف نامشروع خود نزدیک کند؛ بنابراین، مقامات امریکا معتقد بودند که بهتر است عراق از شوروی فاصله بگیرد و درست همانند عملکرد انورسادات، رئیس جمهور مصر در دهه ۷۰، روابط نزدیک اقتصادی و نظامی خود را با این کشور قطع کند.

در ماه مارس ۱۹۸۱، الکساندر هیگ [۶]، وزیر امور خارجه امریکا، با شور و هیجان به کمیته روابط خارجی سنا گفت: «عراق از رفتار امپریالیسم شوروی در منطقه خاور میانه نگران است.» دولت شوروی نیز به عراق اعلام کرده بود: «اگر عراق تهاجم نظامی خود را علیه ایران ادامه دهد، هیچ گونه سلاحی از شوروی دریافت نخواهد کرد.» همچنین، مسکو از سرکوبی شدید حزب کمونیست عراق از سوی صدام ناراضی بود.

حمایت واشنگتن از عراق، پس از موفقیت ایران در بیرون کردن نیروهای عراقی از قلمرو خود در ماه مه سال ۱۹۸۲، بیش از پیش آشکار شد. در ماه ژوئن همین سال، ایران برای نخستین بار، تهاجم خود را به عراق آغاز کرد و به دنبال آن، امریکا در صدد برآمد تا از شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های نظامی عراق جلوگیری کند. در این هنگام، واشنگتن و متحدان عرب محافظه کارش ناگهان، نگران شکست کامل عراق یا دست کم، سرنگونی رژیم صدام شدند و محموله‌های تسلیحاتی عظیمی را به سوی عراق روانه کرد.

بدین ترتیب، واشنگتن با استفاده از متحدانش در خاورمیانه، محموله‌های بزرگ تسلیحاتی را به سوی عراق روانه کرد. اسناد طبقه‌بندی شده وزارت خارجه امریکا که فرانتز و واس آن‌ها را فاش کردند، ارسال توپ‌های هویتزر [۷]، بالگرد، بمب و دیگر سلاح‌ها در سال

[صفحه ۶۲]

۱۹۸۲ – ۱۹۸۳، از طریق مصر، عربستان، اردن و کویت به عراق می‌باشد.

هوارد تیچر [۸]، از کارشناسان شورای امنیت ملی امریکا در امور خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری ریگان، در ۲۳ ماه فوریه سال ۱۹۹۲ در لس آنجلس تایمز گفت: «امریکا کشورهای ثالث را به حمل سلاح‌های امریکایی از طریق دریا به عراق تشویق می‌کرد.».

طبق کتاب مارک فیثیان [۹] با نام چگونه امریکا و انگلستان مخفیانه، ماشین جنگی عراق را به راه انداختند؟ که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، در سال ۱۹۸۳، ریگان از جولیو آندرئوتی [۱۰]، نخست وزیر ایتالیا خواست که سلاح‌های امریکا را به عراق ارسال کند. در اول ژانویه سال ۱۹۸۴، واشنگتن پست گزارش داد: «امریکا به طور دوستانه، به کشورهای خلیج فارس تفهیم کرد که شکست عراق در جنگ با ایران به ضرر منافع امریکا است و واشنگتن تلاش‌ها و اقدامات زیادی را برای جلوگیری از وقوع آن انجام داده است.»

مرکز ثقل این تلاش‌ها، همکاری نزدیک و محکم سیاسی و نظامی با رژیم سرکوب‌گر صدام حسین بود تا بدین ترتیب، توازن قدرت نظامی به نفع عراق سنگینی کند. در سال ۱۹۸۲، دولت ریگان، نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریست حذف کرد. در ۱۹ و ۲۰ ماه دسامبر سال ۱۹۸۳ نیز، ریگان فرستاده ویژه خود را جدا از دونالد رامسفلد، به همراه دست نوشته‌ای به بغداد اعزام کرد. این دست نوشته حاوی پیشنهاد برقراری مجدد مناسبات دیپلماتیک بود که طی جنگ اعراب و اسرائیل، در سال ۱۹۶۷، قطع شده بود. باید یادآور شد که رامسفلد در ۲۴ ماه مارس سال ۱۹۸۴ مجددا به عراق سفر کرد.

درست در همان روزی که خبرگزاری سازمان ملل (UPI) گزارش داد گروهی از کارشناسان این سازمان بدین نتیجه رسیده‌اند که گاز خردل به همراه گاز اعصاب علیه نیروهای ایرانی به کار رفته است...، رامسفلد، فرستاده رئیس جمهوری امریکا در بغداد، با طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، دیدار داشت.

یک روز پیش از آن، ایران، عراق را به استفاده از گاز خردل و گاز اعصاب تابون علیه ششصد نفر از نیروهایش متهم کرده بود.

باید یادآور شد، دولت امریکا در مورد استفاده دولت عراق از گازهای شیمیایی هیچ تردیدی نداشت و حتی در ۵ ماه مارس سال ۱۹۸۴، وزارت خارجه امریکا اعلام کرد: «شواهد موجود نشان می‌دهد که عراق از سلاح‌های شیمیایی مرگبار استفاده کرده است.»

در ۳۰ مارس سال ۱۹۸۴، نیویورک تایمز گزارش داد: «مقامات اطلاعاتی امریکا شواهد انکارناپذیری در اختیار دارند که نشان می‌دهند عراق در جنگ خود با ایران از گاز اعصاب استفاده کرده و تأسیس پایگاه‌های تولید انبوه مواد عامل کشنده شیمیایی را تقریبا به پایان رسانده است.»

اما طبق روال همیشگی دولت امریکا طی جنگ ایران و عراق و بعد از آن، توسل عراق به این سلاح‌های ممنوع شده در حقوق بین‌الملل در نظر رامسفلد و رؤسای

[صفحه ۶۳]

سیاسی کشورش آن قدرها مهم نبود تا روابط رو به شکوفایی امریکا و صدام را متوقف کند.

گزارش نیویورک تایمز در ۲۹ مارس سال ۱۹۸۴، در مورد پیامدهای مذاکرات رامسفلد در بغداد، اعلام کرد: «مقامات امریکا از روابط خود با عراق راضی و خشنودند و در کل، پیوندهای دیپلماتیک عادی مجددا برقرار شده، اما به طور اخص، نامی از آن‌ها برده نشده است.» بدین ترتیب در ماه نوامبر سال ۱۹۸۴، امریکا و عراق به طور رسمی، روابط دیپلماتیک خود را با یکدیگر از سر گرفتند.

طبق گفته‌های باب وود وارد [۱۱]، روزنامه نگار واشنگتن پست، در ۱۵ ماه دسامبر سال ۱۹۸۶، سازمان سیا در سال ۱۹۸۴ به طور محرمانه، اطلاعاتی را در اختیار عراق قرار داد تا بتواند در حملات شیمیایی با گاز خردل علیه نیروهای ایران از آن‌ها استفاده کند. همچنین، «در اوایل سال ۱۹۸۵، سیا اطلاعات حساس مربوط به شناسایی ماهواره‌ای را در اختیار عراق قرار داد... تا این کشور را در حملات هوایی خود یاری کند.»

حملات شیمیایی عراق علیه نیروهای ایران و کمک‌های امریکا به عراق تا پایان جنگ ادامه یافت. وزارت دفاع امریکا اطلاعاتی را برای عراق فراهم و این کشور را از نظر طراحی صحنه نبرد یاری می کرد.

گزارش ۱۷ ماه اوت سال ۲۰۰۲ نیویورک تایمز، نشان می‌داد: «هر چند مقامات ارشد دولت ریگان در ظاهر استفاده عراق از گاز خردل، سارین، VX و دیگر عوامل شیمیایی را محکوم کردند، اما از برنامه‌های تسلیحاتی عراق آگاهی مستقیم داشتند و ریگان و معاونش، جورج بوش پدر و دیگر مقامات ارشد امنیت ملی، هرگز پشتیبانی‌های خود از عراق را قطع نکردند و طی برنامه‌ای بسیار سری، بیش از شصت نفر از افسران سازمان اطلاعات دفاعی [۱۲] امریکا، اطلاعات مشروحی را درباره استقرار نیروهای ایرانی، طراحی تاکتیکی صحنه نبرد، برنامه حملات هوایی این کشور و ارزیابی میزان خسارات بمباران‌های صورت گرفته از سوی عراق، در اختیار بغداد قرار دادند.»

یک افسر بازنشسته سازمان اطلاعات دفاعی امریکا به نام ریک فرانکونا [۱۳] به نیویورک تایمز گفت: «رژیم بغداد در اوایل سال ۱۹۸۸؛ زمانی که نیروهای عراق شبه جزیره فاو را از نیروهای ایران باز پس گرفتند، از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.»

یک افسر باز نشسته دیگر این سازمان به نام والترلنگ [۱۴] نیز به نیویورک تایمز ابراز کرد: «استفاده عراق از گازهای شیمیایی در صحنه نبرد، مسئله استراتژیک نگران کننده‌ای نبود.» در واقع، آنچه سیا، سازمان اطلاعات دفاعی امریکا و دولت ریگان را نگران می کرد، این بود که مبادا، نیروهای ایران شبه جزیره فاو را پشت سر بگذارند و انقلاب اسلامی خود را به کویت و عربستان منتقل کنند.

حذف نام عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم در سال ۱۹۸۲ بدین معنا بو که هیچ گونه منع قانونی بر سر راه عراق برای دریافت کمک‌های اقتصادی و نظامی امریکا وجود نداشته باشد و این کشور بتواند فناوری‌های پیشرفته را از امریکا خریداری کند؛ فناوری‌هایی که برای اهداف نظامی نیز از آن‌ها استفاده می‌شد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۸۲، فروش‌های متعارف نظامی از سر گرفته شد و در سال ۱۹۸۳، دولت ریگان با فروش شصت فروند بالگرد هوگز [۱۵] به عراق برای اهداف غیر نظامی موافقت کرد، اما فیثیان [۱۶] اشاره کرد که این بالگردها را می‌توان طی چند ساعت مسلح کرد. سپس، جورج شولتز، وزیر خارجه امریکا و جورج بالدریج [۱۷] وزیر بازرگانی، برای فروش بالگردهای بل [۱۸] رایزنی کردند. این بالگردها به امکانات سم پاشی مزارع غلات مجهز بودند. عقیده عموم بر این است که بالگردهای مزبور در حملات شیمیایی عراق در سال ۱۹۸۸ علیه کردهای حلبچه مورد استفاده قرار گرفت؛ حمله‌ای که طی آن، پنج هزار نفر کشته شدند.

[صفحه ۶۴]

با چشم پوشی دولت ریگان از این حملات، بغداد پیشروی نظامی گسترده‌ای را آغاز کرد. مخارج نظامی گسترده‌ای را آغاز کرد. مخارج نظامی‌ای که عراق با تأمین اعتبار از سوی امریکا هزینه می‌کرد، حتی به مدت‌ها پیش از حذف نام این کشور از فهرست کشورهای حامی تروریسم مربوط می‌شد؛ زمانی که وزارت بازرگانی امریکا فروش موتورهای گازی توربین‌دار ایتالیایی را برای ناوچه‌های عراقی تأیید کرد.

به زودی، شرکت اعتباری تأمین کالا [۱۹] وابسته به وزارت کشاورزی امریکا باز پرداخت این وام‌ها را - در صورت ناتوانی بغداد - تضمین کرد. بانک‌ها این وام‌ها را به عراق اعطا کرده بودند تا کالاهای تولید شده در امریکا، مانند گندم و برنج را خریداری کند. طبق طرح مزبور، عراق سه سال برای بازپرداخت این وام‌ها فرصت داشت و در صورت ناتوانی از پرداخت آن‌ها، مالیات دهندگان امریکایی باید این مبالغ را تأمین می کردند.

نخستین هـدف واشـنگتن از اعطای این کمک‌ها، جلوگیری از سـرنگونی رژیم صـدام بود؛ زیرا، مردم عراق به کمبود غـذا اعتراض کرده بودنـد. علت اصـلی کمبود مواد غـذایی در عراق این بود که بودجه هنگفتی صـرف خرید سـلاح و مهمات می‌شد. یارانه‌های لازم برای تضـمین این وام‌هـا را دولت امریکـا تأمین می‌کرد؛ موضوعی که باعث شـد صـدام بتوانـد طرح‌های تسـلیحاتی خود را به صورت آشکار و نهان آغاز کند، گسترش دهد و بدین ترتیب، جنگ خونبار ایران و عراق، پنج سال دیگر نیز ادامه یابد.

تا پایان سال ۱۹۸۳، پرداخت ۴۰۲ میلیون دلار به عنوان تضـمین وام‌های اعطایی وزارت کشاورزی امریکا به عراق تأییـد شد؛ مبلغی که در سال ۱۹۸۴، به ۵۰۳ میلیون دلار؛ در سال ۱۹۸۸، به ۱/۱ میلیارد دلار؛ و بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰، به بیش از ۵ میلیارد دلار افزایش یافت. بایـد یادآور شـد که مالیات دهنـدگان امریکایی بایـد حـدود ۲۰ میلیـارد دلـار جریمه و نیز سـود این وام‌هـا را تـأمین می‌کردند.

در اینجـا می‌تـوان بـه مـورد مشـابه دیگری، هر چنـد در مقیـاس کوچـک اشـاره کرد کـه مالیـات دهنـدگان امریکـایی تـاوان آن را پرداختنـد؛ موردی که در آن، بانـک صادرات و واردات فـدرال دخالت داشت. در سال ۱۹۸۴، جورج بوش پـدر، که در آن زمان، معـاون رئیس جمهور بود، شـخصا، مسـئله تضـمین یـک وام پانصـد میلیون دلاری به عراق را پیگیری می‌کرد؛ وامی که عراق آن را برای راه‌اندازی خط لوله نفتی نیاز داشت. تضمین وام‌های بانکی اعطاء شده به عراق برای گسترش واردات و صادرات این کشور از ۳۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ رسید.

طبق گفته‌های ویلیام بلوم [۲۰] در ماه اوت سال ۱۹۹۸، سام گجنسون [۲۱]، رئیس یکی از کمیته‌های وابسته به کنگره، که صادرات امریکـا به عراق را بررسـی می‌کنـد، ابراز کرده است که «دولت امریکـا از سال ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۹۰ ، ۷۷۱ مجوز صـدور مواد عامل شیمیایی و تجهیزات دارای کاربرد نظامی به عراق را تأییـد کرد در حالی که تنها ۳۹ مورد از درخواست‌های دریافت مجوز رد شد.» ارزش این محموله‌هـا ۵ / ۱ میلیـارد دلـر بود... طی آن دهه، امریکا درصـدد بود تا صـدام حسـین به تمام خواسـته‌های خود دست یابـد.... طبق تصـمیم‌های وزارت امور خـارجه امریکـا، سیاست کنترل صـادرات این کشور تحت کنترل سیاست خـارجی آن بود و سیاست خارجی امریکا هم آن بود که باید به کمک رژیم صدام شتافت.

گزارش سنای امریکا در سال ۱۹۹۴ فاش کرد که: «وزارت بازرگانی امریکا به شـرکت‌های امریکایی اجازه صدور مقادیری از مواد عامل بیولوژیکی و شیمیایی، مانند باکتری سیاه زخم و کلستریدیوم بوتولیسم را داده بود. یک مجتمع امریکایی کشت آزمایشگاهی میکروب، محموله‌ای معادل بار هفتاد فروند کشتی از مواد عامل پاتوژنیک و باکتری سیاه زخم را برای عراق فراهم کرد.»

این گزارش همچنین، یادآور شد که صادرات امریکا به عراق مواد تشـکیل دهنده سـلاح‌های شـیمیایی، طرح ساخت تأسیسات لازم برای تولیـد سـلاح‌های شیمیایی و بیولـوژیکی و تجهیزات لـازم برای پر کردن کلاهک‌هـای شیمیایی را شامـل می‌شـد. همچنیـن، شرکت‌های امریکایی نیز رایانه‌های پیشـرفته، لیزر و تجهیزات بررسـی و آزمایش مواد عامل را فراهم می‌کردنـد. از مشـهورترین این شرکت‌هـا می‌توان از هولت پکارد [۲۲]، یونیسیس [۲۳]، دیتـا جنرال [۲۴] و هـانی ول [۲۵] نام برد. شـرکت‌هایی از آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، سوئیس و اتریش نیز با اجازه و

[صفحه ۶۵]

تأیید دولت‌های متبوع خود، مواد خام، ماشین آلات، تجهیزات و فناوری موشکی را به ارزش میلیاردها دلار برای عراق فراهم کردند که بسیاری از آن‌ها «دو منظوره» بودند.

دولت آلمـان، حتی تمـام تجهیزات و ماشـین آلـات کارخانه‌هـای تولیـد گـاز سـمی را به عراق فروخت. بسـیاری از این معاملات با

استفاده از این معاملات با استفاده از اعتبارات شرکت تأمین کالا وابسته به وزارت کشاورزی امریکا صورت می گرفت.

مقصد قسمت عمده این تجهیزات، مجتمع صنعتی «سعد ۱۶» در نزدیکی موصل در شمال عراق بود. سازمان‌های اطلاعاتی غرب از مدت‌ها پیش می‌دانستند که عراق در مجتمع مزبور، در حال توسعه موشک‌های بالستیک است.

بلام گزارش داد که واشنگتن از توسل عراق به مواد شیمیایی کاملا آگاه بود. در سال ۱۹۹۲، یکی از کمیته‌های سنای امریکا پی برد که وزارت بازرگانی این کشور اطلاعات مربوط به امکان استفاده نظامی از کالاهای صادر شده را از ۶۸ مجوز صدور کالا حذف کرده است؛ مجوزهایی که ارزش آن‌ها به بیش از یک میلیارد دلار می‌رسید.

در سال ۱۹۸۶، استفان برین [۲۶] ، قائم مقام دبیر وزارت دفاع امریکا، به صدور یک دستگاه رایانه پیشرفته به سعد ۱۶ اعتراض کرد. این رایانه شبیه رایانه‌هایی بود که در برنامه‌های موشکی امریکا، مورد استفاده قرار می گرفت. به اعتقاد وی، این رایانه می‌توانست برای اهداف نظامی نیز به کار گرفته شود. باید یادآور شد که وزارت خارجه و وزارت بازرگانی امریکا اعتراف کردند که این رایانه را بدون قرار دادن هیچ گونه شرطی فروخته‌اند.

کنث تیمرمن [۲۷] در کتاب خود به نام سوداگری مرگ: چگونه غرب عراق را مسلح ساخت؟ نام چند سازمان را یادآور شده است که باید فهرست کالاهای صادراتی به عراق را کنترل می کردند تا این اقلام، امنیت ملی امریکا را به خطر نیندازند. اما وزارت بازرگانی امریکا اغلب، فهرست کالاهای صادراتی به عراق را برای کنترل ارائه نمی‌داد یا آن‌ها را به رغم مخالفت دیگر وزارتخانه‌های دولتی تأیید می کرد.

در ۱۶ ماه مارس سال ۱۹۸۸، نیروهای عراق شهر کردنشین حلبچه را هدف حمله شیمیایی قرار دادند و پنج هزار نفر را قربانی کردند. هر چند بعدا این حمله یکی از مهم‌ترین دلایل برای لزوم بر کناری صدام اعلام شد. اما در آن زمان، واکنش واشنگتن نسبت به آن همه بی‌رحمی بسیار سرد بود.

تنها چهار ماه پس از بمباران حلبچه، شرکت عظیم امریکایی بچتل [۲۸] مناقصه ساخت یک کارخانه تولید مواد نفتی – شیمیایی را برنده شد. ساخت این کارخانه امکان تولید سلاح‌های شیمیایی را برای رژیم صدام فراهم می کرد.

در ۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۸، سنای امریکا قانون پیشگیری از کشتار جمعی [۲۹] را به تصویب رساند که طبق آن، باید تحریم‌هایی علیه رژیم عراق اعمال می‌شد. با تصویب این قانون، دولت ریگان بلافاصله، مخالفت خود را با آن اعلام کرد و لایحه مزبور را نابهنگام قلمداد کرد. بدین ترتیب، کاخ سفید تمام توان و نفوذ خود را به کار گرفت تا جلوی تصویب این لایحه را در مجلس

[صفحه ۶۶]

نمایندگان بگیرد. سرانجام، نیز زمانی که کنگره آن را تصویب کرد، کاخ سفید از اجرای آن سرباز زد.

در ماه اوت سال ۱۹۸۹، اف.بی.آی به شعبه بانک بی ان ال [۳۰] در آتلانتا حمله کرد و آشکار شد که در آن، شرکت اعتباری تأمین کالاـ مبالغ هنگفتی از وام‌های عراق را تضمین می کرده و همچنین، میلیاردها دلار وام غیر مجاز بدون طی مراحل رسمی به عراق اعطا شده است.پس از این افشاگری، عرصه بر معاملات اقتصادی، سیاسی و نظامی امریکا با عراق تنگ شد.

راس بیکر [۳۱] در ماه آوریل سال ۱۹۹۳ طی مقاله‌ای یادآور شد که کریس دروگال [۳۲] ، رئیس شعبه بی ان ال در آتلانتا، وام‌هایی را در اختیار عراق قرار داده تا آن‌ها را برای خرید فناوری‌های نظامی و تجهیزات دو منظوره صرف کند؛ موضوعی که مقامات دولت امریکا از آن آگاه بودند و حتی این وام‌ها را نیز تضمین می کردند. دولت انگلستان نیز، نه تنها از فعالیت‌های یکی از شاخه‌های شرکت انگلیسی ماتریکس.چرچیل [۳۳] در اوهایو [۳۴] در تهیه تجهیزات و فناوری‌های نظامی برای عراق آگاه بود، بلکه

می‌دانست که بی ان ال آتلانتا هزینه فعالیت‌های این شرکت را تأمین می‌کند.... بعدها از طریق مقامات بانکی معلوم شد که دولت ایتالیا و مالک اصلی بی ان ال از وام‌های اعطا شده از سوی بی ان ال به عراق آگاه بوده‌اند. اما، حتی انزجار مردم از کشتار جمعی حلبچه و رسوایی فزاینده بی ان ال نیز نتوانست از گرمی روابط واشنگتن و عراق بکاهد.

در ۲ اکتبر سال ۱۹۸۹، جورج بوش پدر تصمیم خیلی محرمانه شماره ۲۶ امنیت ملی را امضا کرد که طبق آن: «روابط عادی امریکا و عراق می‌تواند منافع طولانی مدت امریکا را در منطقه خلیج فارس تأمین کند و ثبات منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را افزایش دهد. امریکا باید انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی برای عراق فراهم کند تا رفتار عراق نیز رفته رفته، معتدل‌تر شود و در نتیجه، امریکا بتواند از طریق عراق، نفوذ و تسلط خود بر منطقه را افزایش دهد.... ما باید فرصت‌ها و امکاناتی را برای شرکت‌های امریکایی فراهم آوریم تا در بازسازی اقتصاد عراق شرکت کنند.»

با افزایش فشار کنگره و افکار عمومی بر وزارت کشاورزی امریکا مبنی بر پایان دادن به تضمین وام‌های عراق از سوی شرکت اعتباری تأمین کالا، جیمز بیکر [۳۵] ، وزیر امور خارجه امریکا، به پشتوانه تصمیم شماره ۲۶ امنیت ملی، شخصا پافشاری کرد که کلی‌تن یوتر [۳۶] ، وزیر کشاورزی، از مخالفت‌های خود با ماجرای تضمین این وام‌ها دست بردارد.

در ماه نوامبر سال ۱۹۸۹، جورج بوش پدر با تخصیص یک میلیارد دلار برای تضمین وام‌های عراق در سال ۱۹۹۰ موافقت کرد. در ماه آوریل سال ۱۹۹۰، اعتراض‌های گسترده نسبت به رسوایی بی ان ال، وزارت کشاورزی را بر آن داشت تا از ضمانت وام‌های اعطا شده به عراق دست بردارد. در ۱۸ ماه مه، اسکو کرافت [۳۷] ، مشاور امنیت ملی امریکا، شخصا وارد عمل شد تا از ارسال نخستین قسط ۵۰۰ میلیون دلاری شرکت اعتباری تأمین کالا برای سال ۱۹۹۰ اطمینان حاصل یابد.

طبق مقاله فرانتز و واس در ۲۳ ماه فوریه سال ۱۹۹۲ در لس‌آنجلس تایمز، مقامات شورای امنیت ملی و وزارت امور خارجه آمریکا در ماه جولای ۱۹۹۰، بر ارسال دومین قسط از یک میلیارد دلار ذکر شده اصرار داشتند. آن‌ها به رغم آگاهی از بحران‌های موجود در منطقه و شواهد موجود مبنی بر استفاده عراق از این وام‌ها برای دست یافتن به فناوری سلاح‌های اتمی و برنامه موشک‌های بالستیک به اعطای وام‌ها ادامه دادند، ضمن آنکه رژیم عراق نیز با استفاده از این وام‌ها به یک شبکه سری تهیه سلاح، کمک‌های مالی می‌کرد.

از ۱۸ ماه جولای تا اول ماه اوت سال ۱۹۹۰، دولت بوش پدر با فروش فناوری‌های پیشرفته به ارزش ۸ / ۴ میلیارد دلار به عراق موافقت کرد. این فناوری‌ها در سعد ۱۶ و وزارت صنایع و امور نظامی عراق مورد استفاده قرار می‌گرفت. در اول ماه اوت، فروش تجهیزات پیشرفته تبادل اطلاعات به ارزش ۶۹۵ میلیون دلار تأیید شد.

فرانتز و واس یادآور شدند: «وزارت کشاورزی امریکا، تنها در ۲ ماه اوت سال ۱۹۹۰ رسما، تضمین وام‌های اعطا شده از سوی شرکت اعتباری تأمین کالا به عراق را متوقف کرد؛ درست همان روزی که تانک‌ها و سربازان عراق به خاک کویت وارد شدند.»

پاورقی

[۱] باز اصطلاحی است که در امریکا به جمهوری خواهان گفته می‌شود و بیشتر تمایلات نظامی گرایانه دارند و در مقابل به دموکرات‌ها لقب کبوتر داده‌اند.

[۲] Iraq gate.

[۳] Douglas Frantz.

[۴] Murry Was.

[۵] William Safire.

[۶] Alexander Haig.

[۷] Howitzers.

[۸] Howard Teicher.

[۹] Mark Phythian.

[۱۰] Guilo Andreotti.

[۱۱] Bob Wood Wourd.

[۱۲] Defense Intelligence Agency.

[۱۳] Rick Francona.

[۱۴] Walter Lang.

[۱۵] Hughes.

[۱۶] Mark Phythian.

[۱۷] George Baldridge.

[۱۸] Bell.

[۱۹] Commodity Credit Corporation.

[۲۰] Willam Blum.

[۲۱] Sam Gejdenson.

[۲۲] Hewlett Packard.

[۲۳] Unisis.

[۲۴] Data General.

[۲۵] Honeywell.

[۲۶] Stephan Bryen.

[۲۷] Kenneth Timmerman.

[۲۸] Bechtel.

[۲۹] Preventon of Genocide Act.

[۳۰] Banca Nazionel del Lavoro.

[۳۱] Russ Baker.

[۳۲] Chris Drougal.

[۳۳] Matrix-Churchill.

[۳۴] Ohio.

[۳۵] James Baker.

[۳۶] Clyton Yeutter.

[۳۷] Scow Croft.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹